

# آشنایی با مدرک شناسی

○ احسان الله شکراللهی



عنوان فرهنگ جامع مرجع شناسی که در سال ۱۳۷۶ منتشر گردیده است، در واقع، واژه پیشنهادی ایشان برای دکومانتاسیون تاکنون مورد استقبال و قبول قرار نگرفته و در غالب ترجمه‌ها، واژگان دیگری چون: ثبت و ضبط مدرک، دبیزش دبیزش‌گری، دبیزه دبیزه، دبیزه دبیزه، سندارایی، سندپزداری، سند داری، گردآوری اسناد و مدارک، مستندات، مستندسازی و نمایه‌سازی ترجیح داده شده است. البته مورد استقبال قرار نگرفت یک واژه پیشنهادی دلیلی بر ضعف یک اثر نمی‌تواند باشد. کما این که عبارت «دانش شناسی» به جای کتابداری تنها توسط آقای دکتر لیرامی به کار رفت، اما از جمله آثار بسیار ارزنده در این حوزه، کتاب شناختن اژدانش شناسی ایشان است.

در عین حال با تعریفی که از دکومانتاسیون در منابع مربوط به این حوزه می‌یابیم به نظر می‌رسد جناب محمد رضا محمدی فر قصد آن داشته‌اند که دایره مشمول مباحث مربوط به آن را گسترش دهند و علی‌رغم اینکه در جدول صفحه پنج که در آن وجود قضاوت کتابداری و مدرک‌شناسی را بر شمرده‌اند به «کاربرد کتابداری برای کتاب» و «کاربرد مدرک‌شناسی برای اداره آرشیو» تاکید کرده‌اند اما در سراسر این تالیف، اثری از پرداختن به سند که یکی از منابع مهم آرشیوی است نمی‌یابیم و برعکس در تمام فصول به مقوله کتاب

توجه شده است.

و به نظر می‌رسد که از تقسیم بندی نخستین و طرح مقایسه‌ای مزبور عتول کرده‌اند.

همان گونه که بیشتر اشاره شد، کتابهایی که با عنوان خودآموز و درسامه در حوزه کتابداری و اطلاع رسانی به رشته تحریر درآمده‌اند ساختاری یکنواخت و مشخص دارند که همین شکل تکراری بودن ممکن است رغبت افراد را به خواندن آنها کاهش دهد.

هر چند در سالهای اخیراً آمار مربوط به انتشار کتاب در حوزه کتابداری و اطلاع رسانی حاکی از فزونی و رشد است، درصد قابل ملاحظه‌ای از این آمار مربوط به آثار ترجمه شده است؛ و درصدی نیز به تجدید چاپ آثار گذشته اختصاص دارد. در این میان، آثار تالیفی چاپ نخست سهم اندکی را به خود اختصاص داده است و در بین آثار تالیفی نیز به کمتر اثری می‌توان برخورد که از زاویه جدیدی به موضوع نگاه کرده باشد؛ یا به مضامین بکری پرداخته شده باشد.

شاید به همین خاطر است که آخرین اثر آقای محمدی فر با عنوان آشنایی با مدرک‌شناسی در بین کتابهای این حوزه جلب نظر می‌کند و با توجه به طرح جدیدی از موضوعی قدیمی و چاپ نسبتاً خوب، کمتر کتابداری از خریدن آن صرفنظر می‌کند.

مؤلف در این اثر با ملل قرار دادن واژه مدرک‌شناسی به جای دکومانتاسیون (documentation) به تعریف آن پرداخته و پس از معرفی انواع مدرک به مقولات نمایه و نمایه‌سازی، کتابخانه و کتابشناسی، چکیده و چکیده‌نامه، اسناد نامه و نقد و بررسی کتاب پرداخته است. وی طی ده فصل این مفاهیم را دسته‌بندی کرده و به شرح اجزا و ذکر نمونه‌هایی پرداخته است که مسلماً برای خواننده، اعم از آشنا و ناآشنا با کتابداری و اطلاع رسانی حرفه‌ای مفیدی برای گفتن دارد.

به ویژه در بخش پیوستها اشاره به رده‌بندی علوم و بانکهای اطلاعاتی مهم دنیا، وسیله‌ای است برای آشنایی بیشتر استفاده‌کنندگان غیر متخصص با این دسته از اطلاعات. مؤلف در مقدمه اثر خود «مدرک‌شناسی» را یکی از رشته‌های اصلی اطلاع رسانی معرفی کرده است و آن را متشکل از شاخه‌های متعدد از جمله رده بندی مدرک، کتابشناسی و نمایه‌سازی می‌داند. حال اینکه در آثار تالیف و ترجمه شده اثری از این واژه نمی‌یابیم جز یک مورد آن هم در اثری دیگر از همین مؤلف با

شده‌اند ترتیب «رده‌بندی، کتابشناسی و نمایه‌سازی» رعایت شده اما در فصل بندی کتاب، میحت مقدمات نمایه سازی پس از رده‌بندی و پیش از کتابشناسی آمده است که توجیهی برای آن نمی‌توان یافت. ضمن آنکه میحت مربوط به نمایه و نمایه نامه با دو فصل فاصله در فصل پنجم و ششم آمده است. حال اینکه میحت مقدمات نمایه در کنار میاحت نمایه و نمایه نامه منطقی‌تر جلوه می‌کرد.

درصد بالایی از شاهد مثالهای این کتاب مربوط به منابع و موضوعات غیر ایرانی و غیر اسلامی است. در صورتی که این اثر برای خواننده ایرانی تالیف شده است و همین مطلب احتمال گزیده‌برداری از یک یا چند منبع خارجی را به ذهن متبادر می‌کند. (ص ۶۵ و ۸۰) به علاوه بسیاری از مثالها از آثار تالیفی خود آقای محمدی فر انتخاب شده است (ص ۹۹ و ۱۰۲) که تبلیغ کم نمکی محسوب می‌شود. همچنین استفاده از مثالهای فرعی علی رغم وجود این همه اثر در هر موضوع جای قدری تامل دارد (ص ۱۸۴ و ۱۸۶)

آخرین انتقادات به این اثر متوجه کتابنامه و نمایه آن است.

نخست آن که انتظار خواننده این است که در اثری با این حجم و محتوا حداقل از منابع کلاسیک حوزه کتابداری و اطلاع رسانی استفاده شده باشد و به صورت واقعی محتوای تالیف به تعداد قابل اعتنایی از این منابع مستند شده باشد. در صورتی که کتابنامه فارسی شامل ده عنوان اثر است که پنج عنوان آن متعلق به خود مؤلف است.

دیگر آنکه در اثری که نمایه و نمایه نویسی را آموزش می‌دهد اشتباه در تنظیم نمایه آن هم در مورد خود واژه نمایه، نمونه و نمایاننده کمی دقت است.

غیب می‌جمله بگفتنی هنرش نیز بگو

معرفی انواع مدرک که از صفحه ۹ آغاز شده و تا اواخر فصل نخست ادامه می‌یابد از بخش‌های بسیار مفید کتاب است. در عین حال در بخش بندی آن به نظر می‌رسد انواع مدرک باید ذیل بند ۴۰۱ معرفی می‌شدند که این کار صورت نگرفته و هر کدام بندی مستقل را تشکیل داده است.

تاریخی که در این کتاب آمده است امکان خودآموزی از کتابداری و اطلاع رسانی را تا حد قابل قبولی میسر می‌سازد.

معرفی برخی منابع مرجع مهم جهان مثل دانشنامه علم، نمایه نامه کشاورزی، نمایه نامه فیزیک و نمایه نامه علوم سیاسی از ویژگیهای ارزشمند این اثر است. اما افسوس که از معرفی همین دست آثار مربوط به فرهنگ خود غفلت شده یا بهتر است بگوییم به حداقل قناعت شده و تنها نمایه، نشریه حیات انسانی کتابخانه‌های عمومی کشور معرفی گردیده است.

در نهایت، ارائه معادلهای انگلیسی واژگان تخصصی که در بالا بردن دامنه لغات مطالعه کنندگان مفید است از کارهای قابل توجه آقای محمدی‌فر در تالیف این اثر است. به ایشان خسته نباشید می‌گوییم و منتظر آثار دیگری از ایشان هستیم.

#### پانویست‌ها

۱- علیرضا پورمستاز. فرهنگ کتاب سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران ۱۳۷۷

اما اثر مورد بحث به دلیل ساختار متفاوتی که دارد و نیز توجه به بعدی از ابعاد کتابداری (نمایه سازی، چکیده‌نویسی، کتابشناسی و نقد) که معمولاً از آنها غفلت شده یا کم به آن پرداخته شده، شایسته احست و آفرین است. در عین حال، وقتی این کتاب، بر این ورق می‌نویزم به مواردی برمی‌خوریم که باعث ایجاد سؤال می‌شود و تامل بر این موارد می‌تواند ویرایش جدیدی را توصیه کند تا چاپ بعدی از کیفیت مطلوب‌تری برخوردار باشد.

در صفحه هشتم از موارد کاربرد مدرک‌شناسی کاربرد مستند نویسی و مستند سازی ذکر شده است؛ حال آن که در همین اثر مستند سازی صورت نگرفته و منابع به صورت غیر استاندارد و داخل گروه معرفی شده است. (مثلاً صفحه نهم پاراگراف آخر). همچنین توضیحات مؤلف که طبق معمول داخل پرانتز یا به صورت پانویس می‌آید در این کتاب داخل گروه آمده که چنین ارائه توضیحی در آثار مترجم توسط مترجم صورت می‌گیرد. همچنین است ارائه معادلهای انگلیسی واژگان تخصصی.

از همان صفحه و در پایان همان بند آمده است: «قالب نشانی کتابشناختی همه انواع مدرک، مثلاً کتاب و مقاله و فیلم، تقریباً یکسان است و اموختن آنها مشکل نیست». البته در این که اموختن آنها مشکل نیست سختی نداریم؛ اما اینکه قالب نشانی کتابشناختی انواع مدرک یکسان است. قابل قبول نمی‌نماید. شاهد ما هم قواعد مربوط به اطلاعات کتابشناختی در قواعد فهرست نگاری انگلو- امریکن و سایر دستنامه‌های موجود است که به تفصیل روش نوشتن اطلاعات کتابشناختی را توضیح داده‌اند.

درین بعدی همان صفحه می‌خوانیم: «این مسئله (آشنا شدن با مشخصات انواع مدرک) بسیار مهم است؛ زیرا یکی از عواملی است که می‌تواند واژگان پایه زبان مورد استفاده شخص را ارتقا دهد». در صورتی که به نظر نمی‌آید این مسئله رابطه‌ی به ارتقای واژگان داشته باشد.

درین بعدی همان صفحه با واژه‌های روش شناسی پژوهش و پژوهشی‌شناسی مواجه می‌شویم که مانوس نیستند و به جای آنها معمولاً فهرست اعلام، فهرست موضوعات و یا نمایه به کار می‌رود.

در صفحه ۹ می‌خوانیم: «یک کتاب که از مطالب آن در نوشتن یک مقاله استفاده شده است مدرک یا به اصطلاح نسبتاً رایج‌تر، سند یا مدرک استناد محسوب می‌شود؛ در صورتی که اصطلاح رایج منبع یا ماخذ است نه مدرک استناد.

همچنین در صفحه چهل و یک، بند ۱۶-۱، به ترکیب منبع صاحب صلاحیت برمی‌خوریم که این واژه نیز مانوس نیست و یا توجه به توضیح انتهای این بند در صفحه چهل و چهار که این عبارت را ترجمه authority معرفی کرده می‌توان سایر کلمات به کار رفته در ادبیات این حوزه همچون: اختیار، اعتبار و مستند را که گویا و رایج هستند به کار برد.

سه مثال اخیر و سایر شواهد موجود در این اثر حاکی از ادبیات خاص شیبه ترجمه تحت اللفظی است که عملاً کار را بر هر دو گروه خوانندگان متخصص و غیر متخصص قدری مشکل می‌کند.

مسئله بعدی قابل نقد در این اثر ترتیب فصلها است.

در هر دو بار که در ابتدا و انتهای فصل نخست شاخه‌های مدرک‌شناسی معرفی